یادداشت

حماس و طرح ترامپ آغاز مرحله جدید در پرونده غزه

مهدی‌حسین‌پورمطلق

پاسخ اخیر جنبش حماس به طرح پیشنهادی دونالد ترامپ درباره آینده غزه، از دید بسیاری از ناظران، نقطه عطفی در مسیر تحولات فلسطین و خاورمیانه تلقی می‌شود. این بیانیه نه‌تنها به‌لحاظ محتوایی با مواضع سنتی حماس تفاوت دارد، بلکه از نظر لحن، نشانه‌هایی از تغییر رویکرد سیاسی را نیز آشکار می‌کند. در این متن، حماس ضمن قدردانی از تلاش‌های عربی، اسلامی و بین‌المللی برای پایان جنگ و جلوگیری از آوارگی فلسطینیان، از آمادگی خود برای آزادی همه اسیران اسرائیلی طبق فرمول پیشنهادی ترامپ و آغاز فوری مذاکرات سخن گفته است. همچنین این جنبش با واگذاری اداره غزه به نهادی تکنوکرات و بی‌طرف، مبتنی بر اجماع ملی فلسطینی و با حمایت کشورهای عربی و اسلامی، موافقت کرده است. چنین موضعی را می‌توان نخستین گام حماس در مسیر گذار از وضعیت صرفا نظامی و مقاومت‌محور به عرصه‌ای سیاسی‌تر دانست، جایی که نقش این جنبش به عنوان یک بازیگر ملی و نه صرفا گروهی مسلح، بازتعریف می‌شود. این تحول در ادامه روندی است که بعد از جنگ‌های اخیر و فشارهای شدید انسانی در غزه آغاز شد. حماس با درک محدودیت‌های نظامی و سیاسی، ظاهرا می‌کوشد از طریق واقع‌گرایی دیپلماتیک، جایگاه خود را در معادلات آینده حفظ کند. لحن بیانیه، برخلاف گذشته که پر از عبارات ایدئولوژیک و شعاری بود، متعادل‌تر و حساب‌شده‌تر است و مخاطب آن نه‌فقط مردم فلسطین، بلکه بازیگران منطقه‌ای و حتی غربی هستند. اشاره مستقیم به نام ترامپ نیز نشان می‌دهد که حماس خود را در زمین سیاست جهانی تعریف می‌کند، نه صرفا در مرزهای فلسطینی.

اگر واکنش جدید حماس را با پاسخ‌هایش به طرح‌های پیشین مقایسه کنیم، تفاوت آشکار می‌شود. در زمان طرح بایدن برای آتش‌بس و بازسازی غزه، حماس موضعی کاملا ردکننده داشت و آن را فاقد ضمانت خروج اشغالگران توصیف می‌کرد. در طرح مشترک مصر و قطر نیز به دلیل نقش پررنگ تشکیلات خودگردان، مخالفت کرد. اما اکنون، با وجود آنکه طرح ترامپ هم خالی از ابهام نیست، حماس لحن سازنده‌تری در پیش گرفته است. درواقع این جنبش با پذیرش نهاد تکنوکرات انتقالی، هم به جامعه جهانی پیام داده که آماده همکاری است و هم از انحصار قدرت خود در غزه به صورت تاکتیکی فاصله گرفته تا از فشارهای بین‌المللی بکاهد. از سوی دیگر، طرح ترامپ و واکنش حماس را باید در چارچوب بازی بزرگ‌تری دید. ترامپ که به دنبال یک دستاورد برای ایجاد صلح است، می‌تواند برایش برگ برنده تبلیغاتی داشته باشد. حماس هم این را به‌خوبی می‌داند و سعی دارد از این فرصت همه نتیجه لازم را ببرد تا جایگاهش در معادلات آینده تثبیت شود. از همین رو، پاسخ حماس نوعی پیام غیرمستقیم به آمریکاست: «آمادگی برای معامله‌ای سیاسی که هم به حفظ هویت فلسطینی منجر شود و هم به آمریکا امکان اعلام «موفقیت» دهد». در این میان، ایده اداره غزه توسط نهادی تکنوکرات و بی‌طرف اهمیت ویژه‌ای دارد. این نهاد قرار است وظایف اجرایی و بازسازی را بر عهده گیرد، درحالی‌که گروه‌های سیاسی ازجمله حماس و فتح نقش مشورتی داشته باشند. موفقیت این مدل تنها زمانی ممکن است که سه شرط اساسی برآورده شود: حمایت مردم غزه، پشتیبانی مالی و سیاسی کشورهای عربی و تضمین بین‌المللی برای خروج نیروهای اشغالگر. نقش کشورهای عربی در این روند کلیدی است. مصر با نفوذ امنیتی و تاریخی خود در غزه و قطر با توان مالی و ارتباط مستقیمش با حماس، دو محور اصلی میانجیگری محسوب می‌شوند. عربستان سعودی نیز در تلاش است با ورود به مرحله بازسازی، چهره‌ای از قدرت سازنده در منطقه ارائه دهد. در مقابل، تشکیلات خودگردان فلسطین نگران است که این روند به تضعیف جایگاهش منجر شود و به همین دلیل احتمال دارد تنها به طور محدود در ساختار جدید حضور یابد. سناریوهای پیش‌روی غزه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ نخست، سناریوی آتش‌بس مشروط که در آن تبادل اسرا انجام می‌شود و روند بازسازی آغاز می‌شود. دوم، تداوم درگیری‌های پراکنده در صورت مخالفت اسرائیل یا تلاش نتانیاهو برای امتیازگیری بیشتر. سوم، تشکیل نهاد تکنوکرات انتقالی که طی یک دوره ۱۲ تا ۱۸ماهه اداره غزه را در دست بگیرد تا مقدمات برگزاری انتخابات فراهم شود. در این حالت، حماس می‌تواند از قدرت اجرائی کنار برود اما در صحنه سیاسی باقی بماند. این گزینه برای بسیاری از طرف‌ها ازجمله کشورهای عربی، پذیرفتنی‌ترین مسیر است.

در سطح کلان‌تر، پاسخ حماس را باید بخشی از فرایند «عادی‌سازی مقاومت» دانست؛ فرایندی که در آن جنبش‌های مسلح منطقه به سمت تعامل سیاسی و سازش‌های محدود حرکت می‌کنند. تجربه حزب‌الله در لبنان و حتی طالبان در افغانستان نشان داده که در نهایت، هر جنبش نظامی ناگزیر از ورود به فاز سیاسی است. حماس نیز با وجود پایبندی به شعار مقاومت، اکنون بیش از هر زمان دیگر به بازی قدرت واقع‌گرایانه تن داده است. با این همه، خطرات این مسیر اندک نیست. اگر اسرائیل و متحدانش همچنان بر حذف کامل حماس پافشاری کنند، احتمال بازگشت به جنگ و فروپاشی انسانی دوباره در غزه وجود دارد. از سوی دیگر، اگر کشورهای عربی نتوانند میان حماس و تشکیلات خودگردان توازن برقرار کنند، نهاد تکنوکرات نیز ممکن است به ابزار اختلاف جدید تبدیل شود. آینده غزه به تصمیم جمعی همه بازیگران وابسته است؛ تصمیمی میان ثبات نسبی یا تداوم بحران.

دیپلماسی بدون تروئیکا

ادامه از صفحه ۲

فرانسه و انگلستان، دارای قدرت حق وتو، دارای توان اتمی و عضو دائم شورای امنیت هستند. از همان ابتدا هم پرونده هسته‌ای با کشورهای اروپایی شکل گرفت و ادامه پیدا کرد.

نکات شما درست است و اتفاقا بنایی ندارم که با شما جدل کنم، اما جناب ماجدی، وقتی از وزن و تأثیرگذاری تروئیکا و اتحادیه اروپا می‌گویم، منظور مشخص من این است که الان آنها نمی‌توانند ایجاد وضعیت کنند. آلمان، فرانسه و انگلستان به نیابت از آمریکا، تنها برگ برنده‌ای که در اختیار داشتند، یعنی مکانیسم ماشه را فعال کردند و بعد از آن، هم‌اکنون دیگر آنها کارایی لازم را ندارند؛ غیر از این است؟

اینکه اکنون آنها توان یا کارایی لازم را ندارند، موضوع دیگری است، اما این فرض که اکنون آلمان، فرانسه و انگلستان توانایی یا کارایی لازم را ندارند یا اصطلاحا نمی‌توانند مستقل از آمریکا عمل کنند، آنها را از سیاست خارجی یا پرونده هسته‌ای حذف کنیم، کاملا غلط است و قطعا با آن مخالفم.

با این تفاسیر، باز هم باید بیفتیم در دور مباحثه با شما و امیدوارم که به مجادله نرسد. اگر بخواهم از منظر دیگری به مسئله ورود کنم، موضوع تعدد بازیگران حاضر در پرونده هسته‌ای با منافع متضاد و متناقض است. در یک طرف، روسیه و چین قرار دارند و در طرف دیگر، آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان و اتحادیه اروپا. شما به‌عنوان یک دیپلمات کارکشته، به این سؤالم جواب بدهید که آیا بهتر نیست با کم‌کردن بازیگران، فضا و فرصت بیشتری برای دیپلماسی هسته‌ای ایجاد کنیم؟ نهایتا آلمان، فرانسه، انگلستان و اتحادیه اروپا، کارت بازی آمریکا هستند؛ چه بهتر که به جای مذاکرات موازی، ما با آمریکا، روسیه و چین پرونده را پیش ببریم؟

شما از هر زاویه‌ای، با هر خط تحلیلی و با هر فرض و گزاره‌ای که بخواهید توجیه کنید که باید اروپا را از پرونده هسته‌ای حذف کنید، من با آن مخالفت می‌کنم. حالا مشخصا عنوان کرده‌اید که ما تعداد بازیگران حاضر در پرونده هسته‌ای را کم کنیم که یک فضای بهتر و مساعدتری شکل بگیرد. ببینید، در نهایت، اگر بخواهیم این پرونده به نتیجه برسد، باید به یک توافقی دست پیدا کنیم که آن توافق هم مانند برجام، باید نهایتا به شورای امنیت ارجاع پیدا کند تا با یک قطع‌نامه تضمین شود و همه کشورهای عضو شورای امنیت، به‌خصوص با آن موافقت کنند. خوب، بر فرض که ما با روسیه و چین و آمریکا به توافق رسیدیم و این توافق به شورای امنیت رسید، آن زمان اگر فرانسه و انگلستان با حق وتو آن را رد کردند، چطور؟

مگر نه اینکه فرانسه و انگلستان در مسیر مدنظر آمریکا حرکت می‌کنند؟ اگر در نهایت به این نقطه رسیدیم، یک چراغ سبز واشنگتن کافی است که لندن و پاریس با آن موافقت کنند.

بله، امکان دارد که آمریکا دوباره از فرانسه و انگلیس بخواهد که با آنها همراهی کنند، اما باز شما دارید یک مسئله مهم‌تر را توجیه می‌کنید، اینکه ما اروپا را حذف کنیم. اینکه بخواهیم آلمان، فرانسه و انگلستان را از سیاست خارجی و پرونده هسته‌ای حذف کنیم، این نشدنی است. اصلا منطقی نیست، عقلانی نیست که بخواهید سیاست خارجی خود را منحصر به چند بازیگر کنید. شما تصور کنید که هرچه تعداد بازیگران با منافع متضاد بیشتر باشد، شرایط به همان اندازه بغرنج خواهد شد، اما این‌گونه نیست. به همان اندازه هم می‌توان مسیر دیپلماتیک تعریف کرد. در هر پروسه دیپلماتیک و مذاکره، اگر دست ما پرتر باشد و آلترناتیوهای بیشتری برای گفت‌وگو داشته باشیم، طبیعتا فضا برای ما مناسب‌تر و مساعدتر خواهد بود. اصلا پرونده هسته‌ای و سیاست خارجی را هم کنار بگذارید. در حوزه اقتصادی و تجاری و مشخصا در نفت و پتروشیمی و خودروسازی و صنایع بزرگ، ما اکنون سال‌ها و دهه‌هاست که روابطی با کشورهایی مانند آلمان و فرانسه داریم. طبیعتا اقتضائات اقتصادی و تجاری هم ایجاب نمی‌کند که آنها را کنار بگذاریم یا حذف کنیم. دوباره تکرار می‌کنم، شاید آمریکا از اروپا خواسته باشد که اکنون در این مقطع، مکانیسم ماشه را فعال کند و به نیابت از ایالات متحده عمل کند، اما اروپایی‌ها فعلا به دلیل جنگ اوکراین که برایشان اولویت بالاتری دارد، حاضر به همراهی و همکاری شده‌اند. اگر این جنگ پایان پیدا کند، لزوما به معنای آن نیست که اروپا همراه آمریکا خواهد بود. کمااینکه در دولت اول ترامپ، هرچند اروپا نتوانست در مقام عمل هیچ‌کدام از تعهدات برجامی را پیش ببرد، اما از طرف دیگر اجازه نداد مکانیسم ماشه در شورای امنیت فعال شود و قطع‌نامه‌ها بازگردد. پس نمی‌توانیم صرفا به دلیل اینکه اروپایی‌ها اکنون مکانیسم ماشه را فعال کرده‌اند، آنها را حذف کنیم.

اتفاقا موضوع اقتصادی هم که گفتید، محل بحث است و با آن هم اختلاف جدی دارم. شاید آن چیزی که می‌گویم، با توجه به وضعیت کنونی و بن‌بست، ایدئال باشد، اما چرا نباید ما شاهد پوست‌اندازی در این زمینه باشیم؟ چرا نباید فورد جای پژو در ایران سرمایه‌گذاری کند؟ چرا اکسون موبیل جای توتال نباشد؟ چرا به جای ایرباس از بوئینگ خرید نکنیم و هزار چرای دیگر از این دست؟

اینکه چرا ما از فورد و اکسون موبیل و بوئینگ در ایران استفاده نکنیم، موضوعی است که من هم با آن موافقم و اتفاقا می‌تواند یکی از مشوق‌هایی باشد که مسیر مذاکرات و بن‌بست کنونی را باز کند، اما این به معنای آن نیست که ما در روابط اقتصادی و تجاری با اروپا راه را ببندیم. دلیلی ندارد که به دلیل روابط اقتصادی با آمریکا یا روسیه و چین، مثلا اروپا را حذف کنیم. اگر کشورهای بیشتری در ایران سرمایه‌گذاری کنند، هم ریسک سرمایه‌گذاری در ایران پایین می‌آید و هم باعث رشد و بهره‌وری اقتصادی می‌شود، ضمن آنکه روی وزن دیپلماتیک ما تأثیر می‌گذارد. اما در همین حال، اگر بخواهیم صرفا به روسیه یا چین یا آمریکا یا اروپا وابسته باشیم، به همان اندازه محدود خواهیم شد. اصلا منطقی نیست که بخواهیم همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد بگذاریم. عقل حکم می‌کند درباره بزرگی یا کوچکی هر سبدی، تخم‌مرغ‌های خود را چه در حوزه اقتصادی و تجاری، چه در حوزه دیپلماتیک و سیاسی، بین سبدها تقسیم کنیم. چین، آمریکا و روسیه، سه ابرقدرت هستند و لزوم ارتباط و روابط با آنها برای همه روشن است، اما اصلا توجیه نمی‌شود که بخواهیم روابط با اروپا را کنار بگذاریم یا آنها را حذف کنیم. باز هم می‌گویم که گفته‌های من به معنای توجیه یا حمایت از عملکرد بد اروپا در برجام و مکانیسم ماشه نیست. آنها به ما بدهکار هستند، اما لزوم موازنه بین روابط و لزوم تنوع‌بخشی در مناسبات سیاست خارجی، یک اصل انکارناپذیر است. شما به سیاست اخیر هند نگاه کنید. بعد از تعرفه‌های ۵۰درصدی آمریکا روی کالاهای هندی به دلیل خرید نفت از روسیه، سیاست دهلی چگونه تغییر پیدا کرد؟ هم روابطش با آمریکا سر جایش ماند و هم به سمت روسیه و حتی چین رفت و روابط سرد را دوباره احیا کرد. این نشان می‌دهد اصل تنوع در روابط و اصل توازن در روابط، چیزی نیست که بخواهیم آن را نادیده بگیریم یا کنار بگذاریم. ما هر چقدر قدرت انتخاب بیشتری داشته باشیم و سناریوهای آلترناتیو متعددتری داشته باشیم، به همان اندازه می‌توانیم نقش‌آفرینی بیشتری پیدا کنیم. در این شرایط، فعلا اروپا دنباله‌رو آمریکا است، اما خود اروپا هم وزن کمی ندارد، چه در میان قدرت‌های اقتصادی و چه در میان قدرت‌های نظامی و امنیتی. پس اصلا منطقی نیست که آنها را کنار بگذاریم، ضمن آنکه نظم جهانی دیگر نظم تک‌قطبی یا دوقطبی نیست. ما با یک نظم جدید چندقطبی مواجهیم. پس با ضرورت این نظم جدید بین‌المللی، باید با همه قطب‌ها و همه کشورها یک رابطه متوازن داشته باشیم. ضمن اینکه شما به وضعیت اقتصادی، معیشتی و تجاری کشور نگاه کنید. ما چرا نباید از سهم خود در تجارت جهانی در راستای منافع داخلی و بهبود وضعیت مردم استفاده کنیم؟ اینجاست که تا هر جایی که لازم است و ضرورت دارد، باید به دنبال ارتقا و تنوع‌بخشی در روابط اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک باشیم. من زمانی رئیس اتاق بازرگانی ایران و آلمان بودم. در برهه‌ای، دومین تراز تجارت خارجی آلمان، بعد از آمریکا، با ایران بود. یعنی ما چنین ظرفیت‌هایی را داشته‌ایم، پس چرا نباید آن را احیا کنیم؟

حالا وارد سرفصل جدیدی از گفت‌وگو با شما شویم و آن‌هم بن‌بست کنونی در سیاست خارجی است. فعلا خبری از آغاز مذاکرات نیست و گویا حداقل تا آغاز زمستان هم قرار نیست از این بن‌بست خارج شویم. از طرف دیگر، غربی‌ها پیش‌شرط‌هایی را که برای هرگونه گفت‌وگویی مطرح کردند، نشان از این دارد که ایران در یک وضعیت بی‌سابقه قرار دارد. غنی‌سازی صفر درصد، کاهش برد موشکی، قطع روابط منطقه‌ای و مذاکرات مستقیم و معنادار با آمریکا، چیزی نیست که به آنها پیش‌شرط مذاکره گفته شود. شما که سال‌ها و دهه‌ها تجربه دیپلماتیک دارید، بفرمایید آیا ما اکنون در یک بن‌بست قرار داریم و نمی‌توانیم ایجاد وضعیت کنیم؟

سؤال بسیار کلیدی و مهمی را مطرح کردید و همین‌جا به‌صراحت در روزنامه «شرق» می‌گویم که جمهوری اسلامی ایران تحت هیچ شرایطی نباید هیچ پیش‌شرط و مذاکره‌ای را درباره توان موشکی و پهپادی بپذیرد، به‌ویژه بعد از جنگ ۱۲روزه. اصلا این موضوع یک خط قرمز بدون مذاکره خواهد بود. این یک مسئله است؛ اما درباره دیگر شروط و مشخصا غنی‌سازی صفر درصد و مذاکرات مستقیم، می‌توانیم وارد فاز گفت‌وگو شویم.

یعنی این شروط را بپذیریم؟

خیر، اگر یکی از شروط آنها مذاکرات مستقیم و معنادار است، ما بارها عنوان کرده‌ایم که از مذاکره هراس و نگرانی نداریم. پس می‌توانیم مذاکرات مستقیم، معنادار و جدی را با طرف آمریکایی آغاز کنیم. درباره مسئله غنی‌سازی صفر درصد هم، من معتقدم جای کار و چکش‌کاری و رایزنی دارد. به هر حال، ما در برهه‌ای (دولت خاتمی) با تعلیق غنی‌سازی توانستیم به یک توافق برسیم، بنابراین می‌توان دوباره به همان موضوع فکر کرد، ضمن اینکه راه‌حل‌های موازی مانند کنسرسیوم هسته‌ای و مشارکت منطقه‌ای هم مطرح است که می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل مرضی‌الطرفین، ما و طرف غربی را به یک فصل مشترک برساند.

نکته مهمی را فراموش کردید، چراکه به نظر می‌رسد ادبیات غرب، «همه چیز یا هیچ چیز» است، کمااینکه بارها گفته‌اند زمانی توافق حاصل خواهد شد که درباره همه چیز توافق شده باشد.

اصلا این‌طور نیست و من با آن مخالفم.

این را من نگفته‌ام. خود اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بارها گفته‌اند. ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، از توافق جامع گفته است.

اینکه آنها چه می‌خواهند و چه می‌گویند، کاملا متفاوت است. نه اروپا و آمریکا، بلکه هیچ کشوری در موضع‌گیری‌های رسمی خود دست پایین را نمی‌گیرد، بلکه دست بالا را می‌گیرد. اساسا در عالم سیاست خارجی و دیپلماسی، طرفین با سقف خواسته‌ها وارد گفت‌وگو می‌شوند که به کف منافع برسند، بنابراین من معتقدم اگر مذاکرات مستقیم و معنادار جدی با آمریکا شروع شود و بخواهیم سر قضیه غنی‌سازی وارد راه‌حل‌هایی شویم که منافع دو طرف را شامل شود، قطعا آنها درباره موشک یا منطقه‌ای هم انعطاف و امتیازات خود را خواهند داد. زمانی که ما با گارد بسته وارد می‌شویم، طبیعتا به نتیجه نمی‌رسیم. دیکته نانوشته غلط ندارد. ما باید جلو برویم، مذاکرات را آغاز کنیم و اصلا ببینیم که می‌توان به نتیجه رسید یا نه؛ نه اینکه پیشاپیش با همه چیز مخالفت کنیم. البته این چیزی که می‌گویم، نظر شخصی من است. تصمیم‌گیری درباره مذاکرات و موضوعات مرتبط، چیزی در سطح حاکمیت و در سطح کلان است که باید درباره آن تصمیم‌گیری شود، اما تنها چیزی که می‌توانم روی آن قاطعانه بایستم، این است که نباید به‌هیچ‌عنوان درباره موشک‌ها و پهپادها مذاکره کنیم، چون همین مسئله ما را در جریان جنگ ۱۲روزه نجات داد. به‌هیچ‌عنوان و تحت هیچ شرایطی نباید این بازدارندگی را از دست بدهیم، درعین‌حال این نکته را هم مطرح کنم که «پذیرش گفت‌وگو به معنای پذیرش این چهار شرط نیست». فقط گفت‌وگو را آغاز می‌کنیم و پیش می‌بریم، اگر به نتیجه رسید که بسیار عالی است، اگر هم به نتیجه نرسید که ضرر نکرده‌ایم؛ نباید تحت هیچ شرایطی درِ دیپلماسی بسته شود، مذاکرات را تعطیل کرد و بن‌بست را ادامه داد. این به سود کشور نیست. در شرایط کنونی، هرگونه تحرک و تلاشی برای دیپلماسی، مذاکره، گفت‌وگو و رایزنی مفید است.

من بارها درباره تأثیر جنگ اوکراین و اتهاماتی که درباره حمایت ایران از روسیه مطرح کردند، با شما گفت‌وگو داشتم و اکنون هم بعد از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، بارها عنوان شد که آلمان، فرانسه، انگلستان و در کل اروپا، انتقام این جنگ را از ما گرفتند. باید پرسید تا زمانی که جنگ اوکراین ادامه پیدا کند، امیدی به حل‌وفصل پرونده هسته‌ای وجود دارد؟

بدون تعارف خیر. تا زمانی که به شکل عملی، نه در قالب موضع‌گیری، سیاست بی‌طرفی را در جنگ اوکراین رعایت نکنیم، طبیعتا اروپا روابط دوستانه قبل از این جنگ (اوکراین) را با ما نخواهند داشت و در هیچ موضوعی با ما همراه نخواهند بود.

و برای سؤال آخر، این تغییر مسیر شدنی است؟ آیا دیر نیست؟

هر موضوع یا پرونده‌ای در سیاست خارجی، بازه زمانی مشخصی برای حل‌وفصل دارد. اگر آن زمان به‌درستی تشخیص داده نشود و در آن زمان عمل نکنیم، بعدها مجبور خواهیم شد با هزینه بیشتر و در یک پروسه پیچیده‌تر، آن را حل‌وفصل کنیم. ما می‌توانستیم در دولت روحانی و حتی در دولت مرحوم رئیسی، برجام را با هزینه کمتر احیا کنیم، اما به دلیل برخی جناح‌بازی‌ها و سیاسی‌بازی‌های داخلی، این فرصت از ما گرفته شد. می‌توانستیم در شش ماه اول دولت پزشکیان، با هزینه کمتری موضوع را به نتیجه برسانیم، آن‌هم از ما گرفته شد. حالا ما آن زمان را در دولت روحانی و رئیسی از دست داده‌ایم. اکنون ما با تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت مواجهیم، به کشور ما حمله شد و اکنون هم پیش‌شرط‌های سختی را برای ایران گذاشتند. در این شرایط هم اگر مذاکرات را شروع نکنیم و از فرصت استفاده نکنیم، مطمئنا در آینده باید هزینه بیشتری بدهیم. قبل‌تر می‌توانستیم فقط در موضوع هسته‌ای، مذاکرات را به نتیجه برسانیم. اکنون موشکی، منطقه‌ای و هسته‌ای را در هم گره زده‌اند. اگر الان هم وارد مذاکره نشویم، خدا می‌داند در آینده چه اتفاقاتی روی می‌دهد. باز هم تکرار می‌کنم، گفته من برای آغاز مذاکرات با این پیش‌شرط‌ها، به معنای پذیرش آن نیست. اینکه ایران مذاکره بر سر این شروط را آغاز کند، خیلی متفاوت از این است که ایران با پذیرش این چهار شرط مذاکره کند، یعنی چانه‌زنی بر سر شروط، متفاوت از پذیرش شروط است. ضمن اینکه به‌هیچ‌عنوان و تحت هیچ شرایطی نباید سر قضیه موشکی و پهپادی کوتاه آمد، درعین‌حال اگر مذاکره نکنیم، دوباره یادآوری می‌کنم، در آینده هزینه بیشتر و بیشتری خواهیم داد.

آغاز مذاکرات با پیش شرط های غربی‌ها، به معنای پذیرش آن شروط نیست. اینکه ایران مذاکره بر سر شروط را آغاز کند، خیلی متفاوت از این است که ایران با پذیرش این چهار شرط مذاکره کند. یعنی چانه‌زنی بر سر شروط، متفاوت از پذیرش شروط است

یعنی اگر در زمانی ایران مخیر بین انتخاب خوب و بد بود، اکنون به انتخاب بد و بدتر رسیده و در آینده شاید به انتخاب بدتر و خیلی بدتر برسد؟

دقیقا. به همین دلیل است که ما باید فرصت‌شناس باشیم و با سنجش موقعیت، یک سیاست درست، هوشمند و مبتنی بر منافع را ترسیم کنیم.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه سه عملیات انتقال گاز

منطقه سه عملیات انتقال گاز
((حریم خطوط لوله انتقال گاز، حافظ سلامتی و ایمنی شماست))
آگهی فراخوان مناقصه
شماره مناقصه: ۸۷۶۸۰۷۲۴
نوبت اول

شرکت انتقال گاز ایران (منطقه سه عملیات انتقال گاز) در نظر دارد مناقصه تهیه و نصب سیستم حفاظت الکترونیک تاسیسات استان قم را با مشخصات کلی ذیل از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای و ارزیابی کیفی (همزمان) به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۲۲۹۹۰۰۰۰۵۴ به پیمانکار واجد شرایط به شرح مندرج در کتابچه مناقصه ، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید . لذا از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به شرح ذیل اقدام نمایند و به درخواست ها و مدارک ، خارج از سامانه ، ترتیب اثر داده نخواهد شد . لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

۱ – دستگاه مناقصه گزار : منطقه سه عملیات انتقال گاز
۲ – مدت اجراء : ۳۶۵ روز .
۳ – تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار : مبلغ ۲۳/۵۹۰/۰۵۲/۹۱۳ ریال .
۴ – محل اجرای پیمان : تاسیسات استان قم
۵ – زمان دریافت اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی کیفی: از روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳
تبصره : جهت دریافت کتابچه پیمان ، دفترچه طراحی و پیوست دفترچه طراحی به آدرس تهران - جاده قدیم قم - باقرشهر- بلوار فلسطین- بعد از نیروگاه گازی ری - ستاد منطقه سه عملیات انتقال گاز مراجعه نمایند .
تبصره : جهت دریافت استعلام ارزیابی کیفی به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
۶ – زمان بارگذاری استعلام ارزیابی کیفی و پاکتهای الف ، ب و ج در سامانه ستاد ایران : تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰
۷ – زمان و محل تحویل مدارک و مستندات ارزیابی فنی و سایر مستندات دریافتی به صورت فیزیکی: تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ به نشانی: تهران - جاده قدیم قم - باقرشهر - بلوار فلسطین- بعد از نیروگاه گازی ری - ستاد منطقه سه عملیات انتقال گاز
۸ – زمان بازگشایی پاکات استعلام ارزیابی کیفی: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱
۹ – شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه :
الف- داشتن شخصیت حقوقی .
ب- داشتن تجربه ، توان مالی و حسن سابقه برای اجرای موضوع پیمان .
ج- دارا بودن رتبه ۵ ارتباطات یا رتبه ۵ تاسیسات و تجهیزات از سازمان برنامه و بودجه یا رتبه ۵ انفورماتیک (از شورای عالی انفورماتیک) و حضور در لیست بلند اداره کل توسعه سیستمهای حفاظت الکترونیک سازمان حراست وزارت نفت به همراه گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکاران .
د- ارائه تصویر گواهی کد اقتصادی و کد شناسه ملی.
هـ- داشتن ظرفیت خالی
بازگشایی پاکات پیشنهادات مالی در تهران - جاده قدیم قم - باقرشهر- بلوار فلسطین- بعد از نیروگاه گازی ری - ستاد منطقه سه عملیات انتقال گاز بازگشایی خواهند شد که تاریخ دقیق آن متعاقباً به اطلاع می رسد .
تلفن تماس : ۰۲۱-۵۵۲۲۱۱۵۰ / فاکس : ۰۲۱-۵۵۲۲۱۱۳۴
توجه : ممکن است با توجه به روند برگزاری مناقصات تغییرات احتمالی در تاریخ های اعلام شده وجود داشته باشد لذا خواهشمنداست زمان دقیق دریافت و بارگذاری اسناد مناقصه و هرگونه تغییر دیگر را حتما از طریق شماره فراخوان مذکور در سامانه ستاد ایران دنبال نمایند .
روابط عمومی منطقه سه عملیات انتقال گاز
شناسه آگهی ۲۰۱۶۵۸۵

پست بانک ایران
فراخوان مزایده عمومی فروش کارگاه تولیدی لبنیات (پنیر سازی) مدیریت شعب پست بانک زنجان
نوبت اول

پست بانک ایران در نظر دارد مزایده عمومی به شماره ۲۰۰۴۰۰۳۵۲۵۰۰۰۰۰۱ در خصوص فروش یک واحد کارگاه تولید لبنیات (پنیر سازی) به مساحت عرصه ۵۰۸۹/۵۰ مترمربع و اعیان برابر گزارش کارشناسی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند. تاریخ انتشار مزایده در سامانه ۱۴۰۴/۰۷/۱۵می باشد.
مهلت زمانی بازدید ساختمان و دریافت اسناد مزایده از سایت: تا ساعت ۱۳ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۶
محل بازدید واقع در کیلومتر ۲۰ جاده تهران - کیلومتر ۶ جاده اسکند می باشد.
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۴ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰
زمان بازگشایی پیشنهادات: ساعت ۹ صبح روز یک شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱
یادآوری ۱: اصل تضمین (پاکت "الف") می بایستی حداکثر تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ تحویل دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در آدرس ذیل گردد.
اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مزایده و بارگذاری اسناد به آدرس زنجان خیابان زینبیه غربی جنب مسجد مهدیه مدیریت شعب پست بانک استان زنجان - طبقه اول -حوزه اداری ومالی
تلفن : ۳۳۳۲۱۰۲۳ - ۳۳۳۲۱۰۲۱-۰۲۴
شناسه آگهی ۲۰۱۶۷۹۱ م الف ۲۵۰۷